

هدفمندی زیرساخت‌ها و کارویژه‌های اقتصادی دولت در الگوی اقتصاد مقاومتی: ظرفیت‌سازی برای حفظ و تقویت الگوی تجدیدنظرطلبی انقلاب اسلامی

نویسندگان: حامد اسفندیاری^۱، حسین پوراحمدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۸/۲۱

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست‌ویکم، شماره ۸۰، پاییز ۱۳۹۷

چکیده

تحریم‌های اقتصادی و بعضاً ناکارآمدی هادر ساختار اقتصاد داخلی، موانع مهمی برای حرکت جمهوری اسلامی ایران در مسیر توسعه اقتصادی و قدرت‌افزایی ایجاد کرده است. در این بین ایده اقتصاد مقاومتی کوشیده است هم‌راستا با اولویت‌بخشی به اقتصاد و الزامات توسعه کشور، زمینه‌های مقاومت بر سر ارزش‌ها و ایده‌های انقلاب اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین معیارهای تجدیدنظرطلبی ج.ا.ا را نیز فراهم کند. حال سؤال آن است که مطابق ایده اقتصاد مقاومتی با چه ساز و کارهایی می‌توان ضمن تلاش برای حفظ و تقویت گفتمان کلان انقلاب اسلامی، به توسعه اقتصادی کشور پرداخت؟ برای پاسخ به این سؤال، تلاش کرده‌ایم با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی اسناد بالادستی اقتصادی کشور به یک الگوی کلی برای حرکت نظام اسلامی به سمت توسعه اقتصادی با حفظ ظرفیت‌های تجدیدنظرطلبی انقلاب اسلامی دست یابیم. نتایج پژوهش و دقت در محورهای ابلاغی سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی، حاکی از توجه به فعال‌سازی و بهسازی کارویژه‌های دولت، به‌عنوان مهم‌ترین عنصر توسعه‌ای کشور است. در چارچوب نظریه دولت توسعه‌گرا می‌توان با فعال‌سازی ظرفیت‌های دولت در چند عرصه تعاملی، تنظیمی، تولیدی، باز توزیعی و مشارکتی، ضمن ایستادگی بر سر ارزش‌های انقلاب اسلامی و اهداف کلان نظام اسلامی به اهداف توسعه اقتصادی نیز دست یافت.

واژگان کلیدی:

انقلاب اسلامی، توسعه اقتصادی، دولت توسعه‌گرا، اقتصاد مقاومتی، تجدیدنظرطلبی

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، hamed.isu@gmail.com

۲. استاد دانشکده علوم سیاسی و اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، ho_pourahmad@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

در پی اعمال فشارهای اقتصادی و مالی به جمهوری اسلامی ایران و در راستای برون رفت از شرایط حاکم، برخی از جریان‌های سیاسی، بازنگری‌های مهم در اصول سیاست خارجی انقلاب اسلامی را پیشنهاد و به‌پیش بردند. با تحمیل فشارهای فوق به بخش عمومی جامعه که با هدف تخلیه نظام اسلامی از حمایت‌های مردمی صورت گرفت، ایده‌های مربوط به بازنگری اهداف، سرعت گرفت. این مسئله می‌توانست در پس ظهور برخی گرایش‌ها برای تشویق یا اجبار جمهوری اسلامی ایران به انصراف از ایده‌های استکبارستیزی، به استحاله تدریجی انقلاب اسلامی منجر شود. از این‌رو مسئله مهم فوق نمی‌توانست از توجه رهبر معظم انقلاب به‌عنوان سیاست‌گذار کلان جمهوری اسلامی ایران مغفول بماند، لذا ایشان با اهمیت دادن به اقتصاد به‌عنوان نقطه‌ضعف اساسی کشور، اقدام به طرح گزاره «اقتصاد مقاومتی» کردند تا به‌موازات تقویت ساختار اقتصادی کشور، مسیر تجدیدنظرطلبی انقلاب اسلامی که از آن می‌توان با‌عنوان گفتمان کلان انقلاب اسلامی برای دستیابی به اهداف استکبارستیزی، استقلال‌خواهی و آزادی عمل خواهی تعبیر کرد، تحقق یابد.

با این حال و به‌رغم اهمیت موضوع، پژوهش‌های مرتبط با ایده اقتصاد مقاومتی از حد تبیین‌های نظری فراتر نرفته و سازوکارهای اجرایی و عملیاتی، موردبررسی قرار نگرفته‌اند. بی‌تردید رشد و موفقیت هر راهبردی مرهون جنبه‌های تاکتیکی و عملیاتی آن خواهد بود، به‌نحوی که در شرایط فقدان ارائه راه‌کارهای اجرایی، هر ایده و سیاست کلانی از حد اسناد مکتوب، پیش نخواهد رفت. از این‌رو پژوهش حاضر به‌موازات تبیین‌های محتوایی ارزشمندی که از ایده اقتصاد مقاومتی صورت گرفته، تلاش کرده است با تمرکز بر ارائه سازوکارهای اجرایی، به عملیاتی‌سازی ایده اقتصاد مقاومتی بپردازد. لذا سؤال اصلی آن است که مطابق با ایده اقتصاد مقاومتی، با چه سازوکارهایی می‌توان ضمن تلاش برای حفظ و تقویت گفتمان کلان انقلاب اسلامی، به توسعه اقتصادی کشور پرداخت؟ پیش‌فرض اصلی تحقیق آن است که تداوم ایده‌های اصیل انقلاب اسلامی ارتباط تنگاتنگی با مقوله توسعه اقتصادی پیدا کرده است.

نتایج بررسی حاکی از آن است که ابلاغیه اقتصاد مقاومتی یک سند بالادستی و ناظر بر رفتارها و سیاست‌گذاری‌های دولت در ایران است. از این‌رو بیشتر بر تعاملات، دستورالعمل‌ها و رفتارهای دولت متمرکز شده است. از آنجاکه ایده اقتصاد مقاومتی در چارچوب رد الگوهای غیر انعطاف‌پذیر و فارغ از توجه به مصلحت‌های نظام اسلامی از یک‌سو از سوی دیگر الگوهای تساهل‌گرایانه و غیرانقلابی، به منصفه ظهور رسیده،



به دنبال هدایت تعاملات و فعالیت‌های دولت و فعال‌سازی آن در حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران است. با توجه به حجم چالش‌های پیش رو، دوام، گستره و فوریت آن‌ها، دولت بالاترین ظرفیت و امکان لازم برای نقش‌آفرینی را در اختیار دارد. از این رو می‌توان متناسب با شاخص‌های دولت توسعه‌گرا و در قالب تقویت کارکردهای تولیدی، تعاملی، توزیعی-باز توزیعی و مشارکتی به فعال‌سازی ظرفیت‌های نهاد دولت برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی پرداخت. از این رو در ادامه ضمن بررسی چارچوب نظری دولت توسعه‌گرا و برای تبیین اهمیت ورود دولت به معادلات اقتصادی قدرت، به تبیین سازوکارهای اجرایی موجود برای تقویت نقش دولت در حیات اقتصادی و تأثیر آن بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی برای تحقق توسعه اقتصادی و تقویت گفتمان انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

۲- چارچوب نظری و پیشینه موضوع

۲-۱- چارچوب نظری: دولت توسعه‌گرا

رویگردانی از نظریه‌های لیبرالی و الگوی تحمیلی اجماع واشنگتنی و عنصر اصلی آن در محدود کردن نقش دولت، به مجموعه‌ای از نظریات توسعه شکل داد که کانون مرکزی آن‌ها تأکید بر اهمیت نقش دولت در پیشبرد فرآیند توسعه بوده است. الگوهای موفق در قالب ترکیب عناصر اصلی توسعه با محوریت دولت، ادبیات دولت توسعه‌گرا را بسط دادند. نوع برجسته دولت توسعه‌گرا که محور توجه نظریه دولت توسعه‌گرا واقع شد، بر اساس الگوی شرقی-آسیایی است که ابتدا در ژاپن شکل گرفت و سپس در دوره پس از جنگ جهانی دوم، کشورهایی همچون کره جنوبی، تایوان و سنگاپور با موفقیت از آن الگوبرداری کردند و در زمینه توسعه، پدیده‌ای را رقم زدند که از آن با عنوان معجزه آسیایی یاد می‌شود. به گفته چالمرز جانسون، پایه‌گذار ایده دولت توسعه‌گرا، تحول شگفت‌آور صنعتی در ژاپن، در نتیجه تلاش‌های یک دولت معقول و برنامه‌ریز بود. این دولت مصمم بود بر سمت‌وسو آهنگ توسعه اقتصادی کشور از راه مداخلات مستقیم در حوزه اقتصاد اثر گذارد و کار تخصیص منابع اقتصادی را به نیروهای ناهماهنگ بازار واگذار نکند (Johnson, 1982, p23). نظریه دولت توسعه‌گرا، دولت را کانون تحولات ارزیابی کرده و معتقد به بازیگری جدی این نهاد برای دستیابی به توسعه است. طرح مباحث فوق، مباحث سیاست‌گذاری بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داد به نحوی که بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۳ خود اذعان کرد که بدون وجود یک دولت کارآمد، توسعه امکان‌پذیر نیست وجود یک دولت کارا به‌منظور ایجاد سیستم



مناسب جهت رشد و شکوفایی بازار و ارتقای زندگی و رفاه مردم، امری حیاتی است. از این رو این ایده کلی پذیرفته شد که هر کشور می‌بایست با استفاده از ابتکار و تجربه، به بهبود وضعیت اقتصادی خود کمک کند (Williamson, 2011, p6).

مسئله کار ویژه‌های اقتصادی دولت در جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه جدی قرار گرفته و برای آن می‌توان سه رویکرد کلی را مورد شناسایی قرار داد. رویکرد نخست که از آن می‌توان با تعبیر دولت حداکثری یاد کرد، با پیروزی انقلاب اسلامی و ضرورت‌های توجه به مطالبات اقتصادی مردم به منصفانه ظهور رسید. هر چند این رویکرد از جنبه‌های تئوری نیز برخوردار بود، چراکه بر مبنای برخی آرای اقتصادی (نظریات رابینسون، رام، گرسمن، هلمس و هاتن، لوین و ریمنت، کاراس و قالی)، دولت می‌توانست نقش مهمی در رفع تضادها و تقابل‌های موجود بین منافع خصوصی و اجتماعی ایفا کند. دولت می‌توانست با تأمین کالاهای عمومی و انجام برخی هزینه‌های عمومی به توزیع عادلانه ثروت در بین همه اقشار جامعه پردازد (بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵، ص ۵). این موضوع با ایده‌های عدالت خواهانه انقلاب اسلامی نیز همخوانی قابل توجهی داشت. این مسئله زمینه را برای واگذاری اختیارات گسترده اقتصادی به نهاد دولت در قانون اساسی را فراهم آورد.

در رویکرد دوم و با ثبات جمهوری اسلامی ایران در عرصه داخلی و تحولات نظری در محتوای بحث‌های اقتصادی شاهد رشد و توسعه ایده دولت حداقلی به نفع بخش خصوصی بودیم. قائلان به این رویکرد با ارجاع به آرای برخی اقتصاددانان (گیمل، لاند، ساندرز، فالوی، بارو، رومر، الکساندر، ایستری و رومبلو، گوسه، تانینن، فاستر و هنرکسون) معتقد بودند دولت بزرگ‌تر اثر زیان باری بر رشد اقتصادی خواهد داشت (همان، ص ۵). قائلان به این رویکرد، رشد سریع اقتصادی را منوط به واگذاری تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به افراد یا نهادهای خصوصی می‌دانستند. در این دیدگاه به توزیع عادلانه ثروت توجه جدی نمی‌شود و فرض بر این است که در فرایند رشد اقتصادی، رفاه طبقات پایین جامعه از طریق سازوکار رخنه به پایین، افزایش می‌یابد. همچنین این دیدگاه فرض می‌کند که بهره‌وری در فعالیت‌های اقتصادی دولت به مراتب پایین‌تر از بخش خصوصی است و مقررات و مداخله دولت در اقتصاد به ویژه در بازارهای سرمایه، کار و کالاهای قابل تجارت، مانع از آن می‌شود که افراد و بنگاه‌های خصوصی سودبخش‌ترین راه‌های سرمایه‌گذاری را آزادانه انتخاب کنند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶).

با این حال رویکرد نخست به رغم نقش مهمی که در اوایل انقلاب اسلامی برای



مدیریت شرایط اقتصادی دوران پیروزی و جنگ هشت‌ساله داشت، عملاً مانع از متنوع‌سازی درآمد‌های ملی و همچنین نقش‌آفرینی کشور در عرصه اقتصاد جهانی شد. همچنین در نتیجه پیگیری این سیاست و با توسعه بیش‌ازاندازه نقش تصدی‌گرایانه دولت، ناکارآمدی‌های سیستمی بروز کرد. رویکرد دوم نقش مهمی در کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد ایفا کرد و توانست با سرمایه‌گذاری برای فعال‌سازی ظرفیت‌های بخش خصوصی، گام مهمی برای توسعه کارگزاران اقتصادی ایران صورت دهد. هرچند این رویکرد در همگرایی جهانی با شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی توانست گام‌های جدی برای ظرفیت‌سازی‌های جدید اقتصادی در ایران بردارد، اما عملاً ضعف‌های جدی نیز به دنبال داشت. فسادهای اقتصادی ناشی از واگذاری بخش‌های دولتی به بخش خصوصی، کالایی شدن بسیاری از خدمات عمومی (که می‌تواند در بلندمدت علاوه بر تحریک نارضایتی‌های عمومی، به ضعف سرمایه انسانی کشور بینجامد) بخش مهمی از نقاط ضعف این رویکرد بودند.

در این مجال و در راستای مقابله با چالش‌های اساسی کشور در مواجهه به تحریم‌های اقتصادی و مالی نظام سلطه، رویکرد سوم به منصف ظهور رسیده است. این رویکرد به دنبال کوچک کردن یا توسعه بی‌دلیل نقش دولت در اقتصاد نیست، بلکه به دنبال متناسب‌سازی سیاست‌های دولت در توسعه اقتصادی کشور و تقویت ظرفیت‌های انقلاب اسلامی برای پیگیری اهداف خود است. رویکردهای نظری جهانی نیز برخوردار است. قائلان به جایگاه دولت در اقتصاد، از پشتوانه‌های نظری جهانی نیز برخوردار است. قائلان به نظریه دولت توسعه‌گرا با بررسی تجارب کشورهای شرق آسیا، بر دخالت فعال و سنجیده دولت در فعالیت‌های اقتصادی تأکید دارند. آن‌ها معتقدند حتی با وجود نارسایی‌هایی در عملکرد دولت، چنانچه نتوان صنایع نوین را ایجاد و صنایع استراتژیک را فعال نگاه داشت، نتایج فاجعه‌باری در انتظار بخش صنعت یک کشور خواهد بود. از این‌رو آنان طرفدار حمایت دولت از صنایع استراتژیک و دخالت مستقیم دولت برای ایجاد صنایع نوین هستند. به‌علاوه این افراد بر نقش دولت در راستای سیاست‌هایی چون بسترسازی برای رشد صنایع استراتژیک مبتنی بر فناوری میانی، شکل‌گیری بنگاه‌های توانمند با قابلیت رقابت در سطوح بین‌المللی و جذب و یادگیری فناوری، تأکید داشته و معتقدند دولت باید در وهله اول با ایجاد چشم‌انداز و آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی بلندمدت، زمینه فعالیت بخش خصوصی را فراهم آورده و ضمن اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری در صنایع مختلف، حمایت‌های همه‌جانبه‌ای از صنایع هدف‌گیری شده به عمل آورد. این عمل، هدف‌گیری منتخب نامیده می‌شود. این حمایت‌ها به اشکال گوناگونی از جمله اعطای یارانه‌های مختلف، اعتبارات و ارز ارزان قیمت، وضع تعرفه‌های



سنگین بر واردات کالاهای مشابه خارجی صورت می‌گیرد. تجربه عمده کشورها نیز حاکی از آن است که نه بازار همیشه می‌تواند کارا و مؤثر عمل کند و نه دولت با ایجاد محدودیت برای بازار به تخصیص بهینه منابع کمک خواهد کرد. از این رو می‌توان در کنار مداخلات مؤثر، به موقع، ضروری و به اندازه دولت، بازار آزاد مبتنی بر رقابت‌پذیر ساختن فعالیت‌های اقتصادی را نیز مورداستفاده قرار داد. در این میان آنچه مهم است هدایت و ترکیب این سیاست‌گذاری توسط دولت توسعه‌گرای نخبه سالار است. از این رو شناسایی سازوکارهای موجود برای چگونگی بهره‌برداری از ظرفیت‌های دولت برای تسریع فرآیند رشد و توسعه اقتصادی، موضوع ادامه پژوهش خواهد بود.

۲-۲ پیشینه پژوهش

در بررسی ایده اقتصاد مقاومتی، تمرکز اصلی بر تبیین مبانی نظری این رویکرد واقع شده و نقش عناصر تأثیرگذار و سازوکارهای اجرایی به‌طور حداقلی مورد بحث قرار گرفته‌اند. مطالعه آثار موجود در این زمینه حاکی از آن است که به‌رغم اهمیت سازوکارهای تاکتیکی برای اجرایی کردن ایده اقتصاد مقاومتی، این مقوله کمتر مورد توجه نویسندگان و پژوهش‌گران قرار گرفته است.

نویسندگان (سال) - روش	اهداف (سؤالات) اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
عبدالملکی (۱۳۹۵) - توصیفی-تحلیلی	ترسیم مبانی و سیاست‌های کلی نظریه اقتصادی مقاومتی و تبیین شاخص‌های عملی نظریه	هدف اصلی کتاب پرداختن به مبانی نظری و سیاست‌های کلی ایده اقتصاد مقاومتی است. هرچند نویسنده از بطن فرمایشات مقام معظم رهبری اشاره‌ای هم به برخی سازوکارها کرده است اما ورود عمیقی به این مسئله نداشته است.
پیغامی (۱۳۹۵) - توصیفی-تحلیلی	تبیین مبانی نظری و عملی اقتصاد مقاومتی	هدف اصلی کتاب ارائه تبیین نظری و عملی از مبانی اقتصاد مقاومتی برای غنا بخشی به ابعاد محتوایی این ایده است. لذا وارد سازوکارها نشده است
اختری (۱۳۹۲) - توصیفی-تحلیلی	بررسی تطبیقی مبانی اقتصاد اسلامی با اقتصاد مقاومتی	هدف نویسنده تشریح ابعاد نظری اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های قرآن کریم است ورود عملیاتی به کارکردهای اجرایی نداشته است.



نویسندگان (سال) - روش	اهداف (سؤالات) اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
زیرک (۱۳۹۴) - توصیفی-تحلیلی	بررسی آسیب شناسانه ایده اقتصاد مقاومتی	وجود موانع حقوقی، قانونی، سیاسی، حمایتی و عدم دسترسی به نوآوری‌های نوین، چالش‌های اساسی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی ایجاد می‌کند. نویسندگان در این پژوهش از حیث توجه به عناصر خوب پیشرفت داشته است اما نتوانسته به تبیین اهمیت کارکردی نهاد دولت بپردازد.
اخباری و قلی زاده (۱۳۹۴) - استقرایی-تحلیلی	بررسی تاب‌آوری ساختارهای کلان اقتصاد ایران	موفقیت‌های ایده اقتصاد مقاومتی منوط به تقویت عناصر اقتصاد کلان کشور در مواجهه با بحران‌های خارجی است. در این پژوهش نیز هر چند توجه بر روی نهادی رسمی متمرکز است اما چرایی این مسئله مورد اشاره قرار نگرفته است.
شفیعا (۱۳۹۵) - توصیفی-تحلیلی	بررسی نقش نیروی انسانی در اقتصاد مقاومتی	با تأکید بر کارگزار دولتی اما با نگاهی تقلیل‌گرایانه خواهان تمرکز بر حمایت از آموزش و مهارت‌افزایی نیروی انسانی دارد. این پژوهش صرفاً به بررسی جزئی یکی از کار ویژه‌های دولت داشته و نگاهی جامع به فعال‌سازی نقش دولت ندارد.
سیف (۱۳۹۲) - استقرایی-تحلیلی	بررسی تجارت بین‌الملل در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی	تأکید بر تعاملات بین‌الملل و نقش دولت در بسترسازی این مسئله. این رویکرد نیز تک‌بعدی است و نقش دولت را به افزایش مناسبات بین‌المللی تقلیل می‌دهد.
امیری طهرانی زاده (۱۳۹۴) - توصیفی-تحلیلی	بررسی مبانی سیستمی الگوی اقتصاد مقاومتی	وی نظام اقتصادی اسلام را تنها نظامی می‌داند که می‌تواند اهداف و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را برآورده کند. در حالی که الگوی اقتصاد مقاومتی با عمل‌گرایی خود نگاهی ترکیبی به بهره‌برداری از آرای اقتصاد اسلامی دارد.

دقت در محتوای آثار مورد اشاره حاکی از آن است که توجه لازم به عناصر و سازوکارهای عملیاتی ایده اقتصاد مقاومتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هر چند تمرکز نویسندگان بر تبیین مبانی نظری به دلیل فقر محتوایی این حوزه و ضرورت تقویت آن برای اتخاذ گام‌های آتی است، اما موفقیت‌های هر سیاست کلان مرهون سازوکارهای فنی است. در واقع با جرح و تعدیل تاکتیک‌ها است که می‌توان به انتظار



اثربخشی سیاست‌ها نشست. در پژوهش حاضر ارتباط معناداری بین اقتصاد، کار ویژه‌های دولت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دیپلماتیک و همچنین بایسته‌های مربوط به تقویت ظرفیت‌های انقلاب اسلامی برای مقاومت در برابر فشارهای نظام سلطه صورت گرفته است. در واقع ایده اقتصاد مقاومتی در چارچوب نگاه غایت مدارانه و ناظر بر ضرورت‌های تقویت عناصر قدرت جمهوری اسلامی ایران برای پیگیری اهداف انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در این رویکرد از نگاه صرف اقتصادی و یا نظری به جایگاه دولت فراتر رفته و این مسئله را در چارچوب ضرورت‌های جمهوری اسلامی ایران برای غلبه بر شرایط تحریم و دشمنی‌های ادامه‌دار نظام سلطه مورد بحث قرار داده‌ایم.

۳- روش تحقیق

روش به کار گرفته شده برای انجام این پژوهش، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. تحقیق توصیفی شامل مجموعه‌ای از روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی { بدون ارائه هیچ‌گونه پیش‌بینی، ارزیابی و شناسایی و مقایسه متغیرها است }. اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری‌دادن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد. (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۵، صص ۸۲-۸۳). در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است. به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌کند. از ویژگی‌های تحقیق توصیفی این است که محقق دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها ندارد و آن‌ها را دست‌کاری یا کنترل نمی‌کند و صرفاً آنچه را وجود دارد مطالعه کرده، به توصیف و تشریح آن می‌پردازد. تحقیقات توصیفی آنجا که به کشف قوانین و ارائه نظریه منتهی شوند، بعد تحلیلی می‌یابند. در این پژوهش نیز موضوع اقتصاد مقاومتی و جایگاه دولت در اسناد بالادستی برای پیشبرد سیاست‌ها مورد مطالعه قرار گرفته و در مرحله بعد و در قالب رویکرد تحلیلی اقدام به ارائه چارچوب نظری دولت توسعه‌گرا برای تقویت اقتصاد مقاومتی شده است. شیوه گردآوری اطلاعات نیز اسنادی و کتابخانه‌ای است.



۴- زمینه‌های بروز و ظهور دولت در دستور کارهای اقتصاد مقاومتی

دقت در دستورالعمل‌های اقتصاد مقاومتی برای تداوم مسیر پیشرفت کشور به خوبی حاکی از آن است که عملیاتی‌سازی برنامه‌های این ایده بدون تمرکز بر احیا و فعال‌سازی کار و ویژه‌های دولت در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی میسر نیست. در کنار توجه به ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه در کشورهای جهان سوم، تمرکز بر دولت به عنوان عنصر تعیین‌کننده در دستیابی کشور به اهداف انقلابی و اسلامی، از عناصر اصلی برپایی جمهوری اسلامی در ایران بود. این مسئله نیز به صورت آشکار و ضمنی در عمده‌بندهای قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است. با تکیه بر نظریه دولت توسعه‌گرا و شرح وظایفی که برای دولت در قانون اساسی ایران برای قوه مجریه مشخص شده است (اصول قانون اساسی: ۳-۲۱-۲۸-۳۱-۴۳-۴۴-۴۵-۴۸-۴۹-۵۲-۵۳) می‌توان به بررسی کار و ویژه‌های اساسی دولت پرداخت. اهتمام دولت به تحقق کار و ویژه‌های زیر منجر به تسریع روند توسعه کشور و ناکامی نظام تحریم‌ها علیه ایران خواهد شد.

۴-۱- اقدامات تعاملی

ایده اقتصاد مقاومتی تمرکز ویژه‌ای بر تلاش دولت برای افزایش سطح وابستگی منافع کشورهای همسایه به یکدیگر، ارتقا سطح همکاری‌های منطقه‌ای و میزان همگرایی اعضا، بهره‌مندی از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران در افزایش روابط کشورهای همسایه با جمهوری اسلامی ایران، دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و بهره‌مندی از ظرفیت‌های مالی، فنی، آموزشی، بهداشتی، صنعتی و اقتصادی کشورهای همسایه و جهان و در نهایت امنیت زایی تعاملات تجاری خارجی برای ایران دارد. ملاحظه اصلی ایده اقتصاد مقاومتی آن است که می‌توان با ارتقا جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی و همچنین سطح آموزش و مهارت نیروی انسانی، جمهوری اسلامی ایران را به شریک و متحدی غیرقابل اغماض در سیاست‌های تعاملی کشورهای همسایه تبدیل کرد. این رویکرد با رد رویکردی که با نادیده گرفتن ظرفیت‌های داخلی به دنبال تمنای کمک‌های اقتصادی و مالی از کشورهای خارجی است، دولت را مسئول اصلی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های فوق‌الذکر می‌داند که می‌تواند با ایفای کار ویژه‌های اصلی دیگر، سطح نیازمندی کشورهای همسایه به ایران را در چارچوبی تعاملی و دوطرفه افزایش دهد. اهمیت این رویکرد با توجه به پروژه‌های ناکام اتصال کشورهای آسیای میانه و قفقاز به دریای عمان، انتقال نفت به بازارهای اروپایی، ناتمام ماندن پروژه انتقال گاز ایران به هند از طریق پاکستان، جذب سرمایه مالی کشورهای همسایه، عدم توسعه میدان‌ها نفتی و گازی مشترک با جذب سرمایه‌های خارجی، عدم دستیابی به



الگویی از همکاری بین کشورهای همسایه با یکدیگر برای ممانعت آنان در همگرایی با آمریکا و دشمنان فرا منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، قابل مشاهده است. بی تردید اگر پروژه‌های مزبور تاکنون جامه عمل به خود می‌پوشید، ایالات متحده نمی‌توانست با توجه به نیاز کشورهای منطقه به ایران، آنان را در اعمال فشار به تهران با خود همراه سازد. طی تحریم‌های جدید آمریکا کشورهای عراق، عمان، قطر، کویت، هند، ترکیه و افغانستان با توجه به سطح تعاملات خود در عرصه‌های انرژی، برق، مواد غذایی و مالی، مقاومت بیشتری در برابر اعمال تحریم‌ها از خود نشان داده‌اند که حاکی از اثرگذاری مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی در افزایش امنیت ملی است.

ایران از غیرفعال‌ترین کشورها در همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی است. در شرایطی که اتحادیه‌های مهمی مانند اتحادیه اروپا، نفتا، آسه‌آن و ... باعث ایجاد تغییرات مهمی در الگوی تجارت بین‌الملل شده‌اند، سازمان اکو به‌عنوان مهم‌ترین اتحادیه منطقه‌ای که ایران در آن عضویت دارد، فاقد هرگونه توفیق چشمگیری در عرصه تجارت است. رشد تجارت درون‌گروهی این سازمان تا به حال بسیار کند بوده و حجم مبادلات بازرگانی کشورهای عضو با هم در سال ۲۰۱۲ حدود ۸/۹ درصد کل مبادلات خارجی آنان بوده که در این میان، سهم تجارت درون‌اکویی ایران از کل تجارت خارجی‌اش کمتر از تمام دیگر اعضای اکو حدود ۴/۷ درصد بوده است (ECO Secretariat, 2014, p 12). این وضعیت در مورد سایر ترتیبات منطقه‌ای که ایران عضو آن‌هاست، یعنی گروه هشت کشور در حال توسعه مسلمان (دی‌هشت) و سازمان همکاری‌های اسلامی نیز صدق می‌کند.

تجربه کشورها مؤید آن است که روابط نزدیک اقتصادی، مانع برخوردهای سیاسی و نظامی بوده است. توجه به تاریخچه نزدیک به ۳۰ سال روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا، نشان‌گر این واقعیت است که در مواقع اختلاف نظر سیاسی شدید میان دو طرف، روابط اقتصادی، همواره مانع تیرگی جدی روابط سیاسی آن‌ها شده است. از سوی دیگر انتخاب عنوان خط لوله صلح برای انتقال گاز ایران از طریق پاکستان به هند، صرف نظر از میزان پیشرفت آن، مؤید تأثیر مثبت تجارت بین‌الملل بر امنیت ملی است (خضری، ۱۳۸۴، صص ۱۱-۸).

کشورها می‌توانند با اتخاذ سیاست خارجی کنش‌مند مبتنی بر تعامل سازنده، جایگاه نوینی در سلسله‌مراتب ثروت و قدرت جهانی یافته و با یک سیاست خارجی توسعه‌گرایانه، برای خود امنیت زایی کنند. از این رو ماده ۴ از بخش ۱ مربوط به اقتصاد کلان قانون پنج‌ساله توسعه ششم با تمرکز بر سیاست خارجی تعامل‌گرا،



عنوان می‌دارد: به‌منظور دستیابی به رشد اقتصادی متوسط سالانه هشت درصد در سال پایانی برنامه (۱۴۰۰) و همچنین رشد سرمایه‌گذاری به میزان متوسط سالانه ۲۱,۴٪ در طول سال‌های اجرایی برنامه، کلیه دستگاه‌های اجرایی باید با هماهنگی دولت اقدامات زیر را انجام دهند:

- اتخاذ سیاست‌های لازم برای تأمین مالی پروژه‌ها تا متوسط سالانه سی میلیارد دلار از بانک‌های خارجی. (قانون پنج‌ساله توسعه ششم، ۱۳۹۵) طبق بند سوم ماده ۱۰ ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۲، تشویق به سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه صادرات یکی از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی است که می‌تواند در بستر توسعه ظرفیت‌های تعاملی به منصفه ظهور برسد.

- اولویت اقتصادی در سیاست خارجی کشور با هدف جذب دانش و نوآوری از کشورهای صاحب فن‌آوری و توسعه بازارهای صادراتی، اعزام نیروی کار، جذب اساتید و متخصصان برای آموزش و انتقال فن‌آوری برای نیروهای ایرانی، تلاش برای الحاق به سازمان تجارت جهانی با رعایت مصالح کشور (همان).

- جذب شرکت‌های معتبر خارجی در زنجیره تولید داخلی به شکل مستقیم و با اولویت مشارکت با سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان داخلی به‌منظور افزایش توانمندی، رقابت‌پذیری و صادرات کالاها و خدمات (همان).

به‌طور کلی سهم عوامل اقتصادی در اهداف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به‌خوبی می‌توان در اسناد بالادستی چون قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ملاحظه کرد. ایده اقتصاد مقاومتی با آگاهی از این مسئله بر افزایش کارایی سیاست خارجی برای تحقق فرآیند توسعه متمرکز شده است. مهم‌ترین محورهای عملیاتی در این طرح عبارت‌اند از: ۱- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان ۲- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی ۳- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای. (همان) در فصل پنجم قانون برنامه پنجم توسعه کشور نیز بر موضوع‌هایی چون رشد اقتصادی، بهبود فضای کسب‌وکار، افزایش سطح رقابت، ارتقای اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی، ارتقای بازار سرمایه، ارتقای مشارکت بنگاه‌ها، ارتقای اقتصاد صادرات محور و به‌طور مشخص تعامل و هم‌سویی با قوانین، مقررات و ترتیبات تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی همچون سازمان تجارت جهانی تأکید شده است.



۴-۲- اقدامات تنظیمی

کالاهای جمعی تنظیمی شامل تأسیس و به‌کارگیری قواعد برای عملکرد و تعامل نهادها و معاملات بازاری و غیر بازاری است. تهیه این کالا می‌تواند سیستم را در کل به‌هم پیوسته نگه دارد. به‌طور نمونه: برقراری و حفاظت از حقوق مالکیت خصوصی و عمومی، سیستم پولی باثبات، القای موانع داخلی بر سر راه تولید و مبادله در درون بازار ملی، استاندارد کردن طیفی از ساختارهای تسهیل‌کننده از قبیل سیستم اوزان و اندازه‌گیری، یک نظام حقوقی برای تقویت مبانی قانونی و تصویب و اجرای قراردادهای حل‌وفصل مشاجرات، هماهنگی و ثبات بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، یک نظام حمایت از تجارت، همگی در ردیف کالاهای تنظیمی می‌گنجد. اهمیت کالاهای تنظیمی که اصلاحات نهادی بخشی از آن را تشکیل می‌دهد از آن‌رو است که بدانیم دولت‌های توسعه‌گرا هم‌زمان با حرکت در مسیر توسعه دیر هنگام، قابلیت نهادی سازمان دولت در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه را به‌طور مستمر بهبود بخشیدند. این کار ویژه دولت به‌اندازه‌ای مهم است که برخی دولت توسعه‌گرا را بر اساس توانمندی در پیش برد این شاخص تعریف می‌کنند. به‌طور نمونه عمده نویسندگان این حوزه معتقدند یک دولت توسعه‌گرا، دولتی است که برای ارتقا توسعه ملی، سازوکارهای نهادینه‌شده از سیاست مداخله‌گرایانه برای دستیابی به توسعه ایجاد می‌کند (Evans, 1995; Weiss and Hobson, 1995; Woo-Cumings, 1999).

ایده اقتصاد مقاومتی نیز با تمرکز بر امور زیر به دنبال تقویت کار ویژه تنظیمی دولت برای اصلاح سازوکارها و ساختارهای محل اقتصادی است. از جمله دستور کارهای مهم اقتصاد مقاومتی در این بخش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و تلاش برای جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزش ۲- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه کالاهای تولیدی داخلی ۳- شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار ۴- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به‌هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی ۵- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی ۶- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی ۷- صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی



و غیر ضروری و هزینه‌های زائد (ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲). در حال حاضر تشکیلات و نهادهایی که در ارتباط با بخش اقتصاد در کشور فعالیت می‌کنند مجموعه‌ای منسجم و یکپارچه نیستند. به طوری که بر اساس برآوردهای انجام شده بیش از ۵۰ نهاد دولتی با درجات مختلفی از فعالیت در امور اقتصادی نظیر برنامه‌ریزی، نظارت، اجرا و تولید آمار و اطلاعات درگیر هستند. فقدان استراتژی و نقشه جامع سرمایه‌گذار در امر هدایت سرمایه‌گذاران و {نهادهای کارآمد ذی‌ربط در این زمینه} منجر به یکی از معضلات اساسی اقتصاد کشور که همان رشد بی‌رویه بخش خدمات و فعالیت‌های غیر مولد به اشکال گوناگون است، شده است. بخش خدمات نه تنها در خدمت بخش‌های تولیدی کشور قرار نگرفته است، بلکه به عنوان رقیب این بخش موجب انتقال سرمایه‌ها به بخش غیر مولد شده است (میرزاوند، ۱۳۸۷، ص ۱۵) از این رو دولت نیازمند بازسازی نهادی در ساختار نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری است. سوق دادن تصمیمات به سمتی که مبتنی بر داده‌های درست باشند و در جریان فعالیت کارشناسی اخذ شوند، دوری کردن از فرآیندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری صرفاً مبتنی بر چانه‌زنی میان ذینفعان دولتی و بوروکراتیک، شفاف‌سازی فرآیندهای تصمیم‌گیری برای همه ذینفعان اعم از دولتی و غیردولتی و مشارکت دادن آن‌ها در فرآیند، ارزیابی تأثیرات حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی و فرهنگی تصمیم‌ها و تصمیم‌گیری بر مبنای پیشرفت‌های حاصل شده در دانش سیاست‌گذاری عمومی، از جمله اصول مهم در بازسازی ظرفیت و بهسازی عملکرد نهاد دولت است (برنامه و خط‌مشی دولت دوازدهم، ۱۳۹۶، ص ۱۴).

۴-۳- اقدامات تولیدی

تولید کالاهای راهبردی و توجه به زیرساخت‌های کلان توسعه، در کنار کمک به جذب سرمایه‌های مالی داخلی و خارجی، سرعت دستیابی کشورها به رشد اقتصادی و پیشرفت را نیز تسریع می‌کند. در این گونه فعالیت‌ها بیشتر کالاهای خدمات زیربنایی و صنایع پایه و مهم همچون ساخت جاده، اسکله، سد، صنایع سنگین یا مادر و صنایع مرتبط با امنیت و دفاع ملی از جمله در زمینه تسلیحات به دلیل اهمیت آن‌ها توسط دولت پیگیری می‌شود و نباید در این گونه مسائل از نقش دولت کاسته شود. به طور نمونه بازسازی و تجهیز بنیه دفاعی و تأمین نیازهای ضروری آن بر مبنای اهداف دفاعی تعیین شده و همچنین بازسازی و نوسازی ظرفیت‌های تولیدی و زیربنایی و مراکز جمعیتی خسارت دیده در طول جنگ تحمیلی (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۹) به عهده دولت گذاشته شده است.



در بین کالاهای راهبردی، باید به صنایع نفت و گاز کشور اشاره کرد. ایران با وجود برخورداری از منابع سرشار انرژی با چالش‌های مهمی برای ارتقای جایگاه راهبردی این منبع در عرصه سیاست‌های داخلی و خارجی مواجه است. لذا در برنامه اقتصاد مقاومتی به انرژی به‌عنوان کالایی مهم در عرصه داخلی و خارجی، توجه ویژه‌ای مبذول شده است. چالش‌های بخش انرژی به‌عنوان کالایی که همواره تراز تجاری ایران را مثبت نگه‌داشته از یک‌سو ناظر بر افزایش مصرف این کالا در سطح داخلی است و از سوی دیگر به مسئله مشکلات پیش روی بازاریابی، قیمت‌گذاری، عرضه و سیاست‌گذاری در زمینه انرژی در سطح جهانی مربوط می‌شود. در شرایط فعلی، تمرکز بر تعدد منابع درآمدی کشور با توجه به شرایط پیش‌آمده برای حوزه انرژی ایران، جز مسائل بلندمدت بوده و در شرایط فعلی منبع درآمدی ایران در حوزه نفت و گاز نیز در خطر است. به‌نحوی که در کنار نیاز بازارهای انرژی به نفت و گاز بیشتر، صادرات ایران با مشکلات تحریم مواجه شده و آمریکا سعی دارد از طریق اخلال در روند صادرات نفت و فشار به مشتریان برای قطع واردات نفت و گاز از ایران، صادرات ایران را بی‌اثر سازد. از این‌رو یکی از محورهای دستورالعمل‌های مهمی که در ایده اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است، ضرورت حفظ و ارتقای جایگاه انرژی در سیاست‌های توسعه کشور است.

مورد دوم در بخش فعال‌سازی دولت در زمینه کالاهای تولیدی، مربوط به ماهیت روابط تولید و اثرگذاری دولت بر جریان تولید در صحنه رقابت جهانی است. موارد مشخصی که در قالب اقتصاد مقاومتی و در چارچوب وظایف دولت مورد اشاره قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: ۱- محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار ۲- تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور ۳- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه ۴- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص ۵- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی) (ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲).



بررسی قوانین مربوط به حمایت از تولید، در ۶ قانون برنامه توسعه نشان می‌دهد که استراتژی کلی اقتصاد ایران اگرچه در ظاهر رویکرد حمایت از تولید را مدنظر داشته، اما در باطن به دلیل نگاه بخشی و بوروکراتیک این موضوع پیگیری نشده است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی به بررسی قوانین حمایتی از تولید و آسیب‌شناسی آن‌ها پرداخته است. ارزیابی‌های این نهاد حاکی از آن است که درک روشنی از منافع ملی و به تبع آن منافع جمعی تولیدکنندگان در تصویب قوانین وجود نداشته است (گزارش رادیو اقتصاد، بررسی رویکردها و روش‌های حمایت از تولید در ۶ قانون برنامه توسعه کشور، ۱۳۹۶/۰۵/۳۱).

مورد سوم مربوط به تولید بر پایه دانش و فناوری یا اقتصاد دانش‌بنیان است. ایران به واسطه اجبارهای محیطی و خارجی و همچنین در راستای تحقق سیاست‌گذاری‌های به‌عمل‌آمده، در حال گذار از اقتصاد مبتنی بر منابع، به اقتصاد مبتنی بر کارایی است. توجه به این مسئله به واسطه اهمیت دادن به رویکردهای تولیدی، نوآورانه و دانش‌بنیان تبلور می‌یابد. اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان ضرورتی برای توسعه اقتصادی ایران برای اولین بار در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۳-۱۳۷۹) مورد توجه قرار گرفت. در این برنامه بر هدف توسعه و بهبود جامعه دانش‌بنیان در کشور از طریق تقویت نقش علم و فناوری تأکید شد. در بند ۱۶ این سیاست‌ها، بر موضوع آموزش و بازآموزی نیروی انسانی، در بند ۲۱ بر پرورش و شکوفایی استعدادها، خلاقیت‌ها و نوآوری‌های علمی و افزایش توان علمی و فناوری کشور، در بند ۳۵ بر تقویت و توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور با تأکید بر گسترش پژوهش‌ها و تسریع انتقال فناوری‌های پیشرفته تأکید شده است.

ایده اقتصاد مقاومتی نیز با تکیه بر کار ویژه تولیدی راهبردی دولت، تمرکز خاصی بر مقوله اقتصاد دانش‌بنیان داشته است به نحوی که پیش تازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به‌منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه به‌عنوان دستورالعمل اجرایی برای دولت در بخش اقتصاد دانش‌بنیان طراحی و اعلام شده است (ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲).

بر اساس آمار بانک جهانی میزان صادرات محصولات دانش‌بنیان در سال ۲۰۱۴ در جهان بیش از ۲۱۴۷ میلیارد دلار بوده و در همین سال میزان صادرات محصولات دانش‌بنیان ایران معادل ۹۰۰ میلیون دلار بوده است. هرچند سهم ایران از این بازار پرسود در حد ۰,۰۴ درصد بوده است اما روند رو به رشدی نسبت به سال‌های گذشته



داشته است. رقم صادرات محصولات دانش بنیان برای ایران در سال ۲۰۰۳، ۵۰ میلیون دلار، در سال ۲۰۱۳، ۸۵۷ میلیون دلار و در سال ۲۰۱۴ به ۹۰۰ میلیون دلار رسیده است (شقایق شهری، ۱۳۹۶، ص ۱۳).

۴-۴- اقدامات مربوط به کالاهای عمومی

به هر میزان که نظام سیاسی بتواند در پاسخ به مطالبات عمومی موفق عمل کند، به همان میزان کارآمدی نظام ارتقا یافته و از حمایت عمومی برخوردار می شود. مطالبه این اقدامات که شامل ارائه خدمات درمانی و بهداشتی، بیمه های شغلی و تأمین اجتماعی، حقوق بازنشستگی و از کارافتادگی می شوند با افزایش سطح زندگی و توقعات جامعه افزایش می یابد (بی نا، ۱۳۸۲، ص ۴۴). باین حال ارائه کالاهای عمومی صرفاً در محدوده مطالبات عمومی نمی گنجد چرا که ایجاد ظرفیت های نسبی برای خلق محیط سرمایه گذاری مطلوب با فراهم کردن طیف جامع تری از کالاهای عمومی که تحت عنوان «عوامل ثابت سرمایه» توصیف می شوند، جز ضرورت های جذب دانش، سرمایه و همکاری های خارجی است. از میان این عوامل می توان به موارد زیر اشاره کرد: سرمایه انسانی، زیرساخت ها، حمایت از فناوری جدید، تأمین آن دسته از خدمات عمومی که برای یک «زندگی کیفی» خوب برای نخبگان جدید و مدیران میانی لازم اند، حفظ و نگهداری یک محیط سیاست گذاری عمومی برای جذب سرمایه گذاری و سودآوری شرکت ها؛ اما در ایران این دست از کار ویژه های دولت به سرعت در حال محو شدن است که این مسئله خود ناشی از دو متغیر اساسی کالایی شدن کالاهای عمومی و کاهش دارایی های دولت است. هر چند بحران دولت رفاه با ناتوانی عمده دولت ها در کالای کردن کالاهای عمومی و افزایش رقابت برای «بازاری شدن» این دست از خدمات، به امری فراگیر در تمام نقاط جهان تبدیل شده است، اما همان طور که اشاره شد تأمین این کالاها در بلندمدت به افزایش بهره وری و توسعه می انجامد. از این رو ایده اقتصاد مقاومتی مطابق آنچه در قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته، تمرکز ویژه ای بر این دست از کار ویژه های دولت داشته است که اهم آن ها عبارت اند از: ۱- تأمین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط ۲- تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا) (ابلاغیه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲).



۴-۵- اقدامات باز توزیعی و مشارکت‌جو

این کار ویژه دولت همواره و حتی به‌طور بنیادینی سیاسی بوده و خصلت عمومی و جمعی‌شان بیشتر ناشی از تصمیمات سیاسی درباره عدالت و انصاف است. طرح این کار ویژه بیشتر ناشی از شکست سیاست‌های توسعه‌ای بود که صرفاً بر رشد اقتصادی توجه داشتند و اهمیتی به برابری نمی‌دادند. در نتیجه اقبال به رویکردهای اقتصادی معطوف به افزایش رشد، اعتقاد بر آن بود که فقر نیز ریشه‌کن می‌شود اما با ناکارآمدی این تئوری در دهه ۱۹۷۰ و عواقب مصیب بار سیاست‌های تعدیل اقتصادی (مؤمنی، ۱۳۸۶، ص ۱۲) سیاست‌های باز توزیعی با هدف توزیع برابر ثروت یا ایجاد ظرفیت‌های برابر برای تولید ثروت در سطح عمومی، در کانون توجه قرار گرفت.

چنانچه در مسیر حرکت به سوی توسعه از راهکاری برای کنترل نابرابری استفاده نشود، سطوح بالای نابرابری از سه طریق ممکن است به اخلاص در فرایند توسعه منجر شوند: از یک سو انعکاس میزان بالای نابرابری در آمار و ارقام نکته‌ای منفی در ارزیابی توسعه جوامع تلقی می‌شود، از سویی دیگر، نابرابری فزاینده به شکل‌گیری مقاومت منجر می‌شود که می‌تواند به اخلاص در روند توسعه بینجامد، همچنین نابرابری با تقویت دیکتاتوری و فاصله گرفتن از توسعه سیاسی امکان اصلاحات درونی را از حکومت سلب کرده و احتمال شکست الگوی توسعه را تقویت می‌کند.

از این رو در ایده اقتصاد مقاومتی نیز رویکرد عدالت محور به فرآیند رشد اقتصادی و توسعه، از نقطه نظرات مهم است. هر چند این دستورالعمل در طول تمام برنامه‌های توسعه کشور به چشم می‌خورد، اما شاید در شرایط امروز، انتظارات از اجرای این برنامه با گذشته فرق می‌کند. اقتصاد مقاومتی تنها به توزیع برابر ثروت نمی‌اندیشد و معتقد است در پس توانمندسازی اعضای جامعه، فرصت مشارکت دادن آنان در روند توسعه ملی کشور و همچنین افزایش فرهنگ توسعه و تولید فراهم می‌شود. به نحوی که در بند اول ابلاغیه اقتصاد مقاومتی آمده است «تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط» (ابلاغیه سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲).

توجه به این مقوله صرفاً از رهگذر تقویت دولت رفاه یا گسترش دامنه کالاهای عمومی میسر نیست، بلکه برای نهادهای رسمی رسالتی قائل می‌شود که پیش‌فرض اصلی آن این است که بدون فراهم آوردن شرایطی که افراد در آن از برابری نسبی در



نتایج برخوردار باشند، توسعه واقعی رخ نمی‌دهد. این مسئله یعنی تأکید بر افزایش کارکردهای دولت، به‌نحوی که بتواند در برنامه‌های مشارکت‌جویانه خود، به تقویت توانمندی‌های همه اعضای جامعه بپردازد. از این رو گفتمان اقتصاد مقاومتی از سال اول ابلاغی خود به‌خوبی از ضعف‌های توزیع بی‌برنامه ثروت در سطح کشور آگاه بود و معتقد به طراحی برنامه بلندمدت برای تقویت توانمندی‌ها و فراهم‌سازی مشارکت همگانی در روند رشد و توسعه ملی است.

در رویکردهای صحیح توسعه، اتصال دولت به جامعه بیشتر است. در این مدل دولت و جامعه به یکدیگر کمک می‌کنند. حاکمیت قانون، اصل احترام به ضوابط، فقدان شکاف بین قدرت سیاسی و اجتماعی و انسجام دیوانی از ویژگی‌های توسعه مردم‌محور است. در واقع مشارکت دادن مردم در امر توسعه وجوه سه‌گانه‌ای را شامل می‌شود. اول ارتقای فرهنگ عمومی جامعه متناسب با اهداف و نیازهای توسعه، زمینه‌سازی برای استقرار دموکراسی و سوم اصلاحات نهادی لازم برای شفاف‌سازی اقتصادی و مشارکت مردم در رشد اقتصادی.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مجموعه‌ای از چالش‌های جدی اقتصادی، موانعی مهم برای پیشرفت گفتمان انقلاب اسلامی ایجاد کرده است از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کاهش شدید درآمدهای ارزی، از دست رفتن بخش قابل توجه‌ای از مشتریان انرژی، فقدان بازیگری فعال در تولید و تکمیل زنجیره کالاهای جهانی، وابستگی فراوان دولت‌ها به درآمدهای نفتی و عدم تنوع سازی درآمدهای ملی، فقدان زیرساخت‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ضعف‌های فراوان ساختار اقتصاد داخلی در حوزه درآمدها، هزینه‌ها و تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی و نبود ساختارهای نظارتی کارآمد برای توسعه شفافیت‌های مالی. هر چند مواجهه جمهوری اسلامی ایران با چالش‌آفرینی‌های نظام سلطه مسئله جدیدی نیست، اما راه‌کارهای تجویزی برای مقابله با فشارهای اقتصادی تا حدود بسیار زیادی مسیر آینده انقلاب اسلامی را مشخص خواهد کرد. با عنایت به اهمیت راهبردی این مسئله رهبر معظم انقلاب با صدور ابلاغیه سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۲ عملاً به طرح‌ریزی نقشه راهی پرداختند که عناصر اصلی آن عبارت بودند از: اول تلاش برای پیشبرد اولویت‌های اقتصادی ج.ا.ا تا سرحد تبدیل کردن کشور به قدرت اول اقتصادی منطقه و دوم توجه جدی به عناصر



قدرت اقتصادی از روزنه تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، به عبارتی عنصر دوم عملاً مسیر آینده راهبردهای اقتصادی را نه در قالب همراه شدن با خواسته‌های نظام سلطه بلکه برعکس در جهت تقویت عناصر قدرت مقاومت جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد گفتمان انقلاب اسلامی، مشخص می‌کند. باین حال ترسیم چگونگی تحقق این مسئله، موضوع اصلی پژوهش حاضر بوده است. سؤال اصلی این پژوهش آن بود که تحقق ایده اقتصاد مقاومتی به شکلی که ضمن تحقق اولویت‌های اقتصادی به تقویت ظرفیت‌های مقاومت جمهوری اسلامی ایران نیز منجر شود، چگونه امکان‌پذیر است؟ در راستای پاسخ به این سؤال و در قالب ایده اقتصاد مقاومتی، ارتباط معناداری بین اهداف اقتصادی کشور، سیاست خارجی و کار ویژه‌های دولت برقرار شد. این رویکرد با تبیین شرایط موجود انقلاب اسلامی معتقد است ساختارهای اقتصادی کشور اولاً با چالش‌های مهم در عرصه داخلی و خارجی مواجه است و در ثانی تداوم این چالش‌ها عملاً به تحلیل و تضعیف مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران منجر خواهد شد. از این رو رویکرد فوق تلاش کرده است با تقویت ظرفیت‌های رسمی و غیررسمی و با مرکزیت دولت، به جبران نقطه‌ضعف‌های کشور برای حرکت در مسیر قدرت افزایی بپردازد. متناسب‌سازی دولت (در همه ابعاد) با مأموریت‌های آن می‌تواند در کنار نتایج مثبت توسعه، دستاورد عظیمی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد.

۵-۲- پیشنهادها

متناسب با دستاوردهای پژوهش حاضر پیشنهادهای زیر در سطوح داخلی، منطقه و خارجی ارائه می‌شود:

- **در سطح داخلی:** جاکوب جی. لو، وزیر خزانه‌داری سابق آمریکا، معتقد است در کنار شرایط تأثیرگذار بر عملکرد موفق آمیز تحریم از جانب کشور تحریم‌کننده، رفتارها و سیاست‌های کشور هدف نیز مهم است؛ یعنی به هر میزان که انسجام سیاست‌های اقتصادی کشور هدف در زمینه برنامه‌ریزی‌های اقتصادی برای مدیریت منابع و هدایت ظرفیت‌ها، افزایش همگرایی‌های اقتصادی با سایر کشورها و همچنین متنوع‌سازی درآمدهای مالی، خوب عمل کند، تحریم به موضوعی کمتر تأثیرگذار بدل می‌شود (میر نظامی، ۱۳۹۵، ص ۱۱). هر چند با توجه به شرایط پیش‌آمده برای اقتصاد ایران، دولت لاجرم باید سیاست‌های مداخله آمیز خود را افزایش دهد- به نحوی که این مسئله به‌صراحت در خط مش دولت یازدهم مورد اشاره قرار گرفته است (برنامه و خط‌مشی دولت دوازدهم، ۱۳۹۶، ص ۱۱) اما اگر این مسئله در ابعاد کلان با ترسیم چشم‌اندازهای بلندمدت همراه شود، نتایج بهتری برای توسعه اقتصادی به دنبال



خواهد داشت. در واقع بخش اعظم راه کارهای پیش روی کشور در زمینه مقابله با فشارهای اقتصادی آمریکا، به مدیریت شرایط و ظرفیت‌های اقتصاد داخلی بستگی دارد. در این بین مداخلات سازنده دولت برای تنظیم بازار به دفع سیاست‌های توزیعی و باز توزیعی نه تنها امری مرسوم در نظام اقتصاد جهانی است، بلکه برای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران امری ضروری می‌نماید. نه بازار همیشه می‌تواند کارا و مؤثر عمل کند و نه دولت با ایجاد محدودیت برای بازار به تخصیص بهینه منابع کمک خواهد کرد. به باور نهادگرایان برخلاف تصورات، به هیچ وجه بازار نظمی خودجوش نیست و قواعد و سنت‌های حاکم بر آن بیش از هر چیز تحت تأثیر دخالت دولت قرار دارد (Mantzavinos, 2001, p 162). از این رو می‌توان در کنار اقتدارگرایی دولتی برای مداخلات مؤثر، به موقع، ضروری و به اندازه، بازار آزاد را نیز مورد استفاده قرار داد.

• **در سطح منطقه‌ای:** جمهوری اسلامی ایران به واسطه متغیرهای ارزشی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی از ظرفیت‌های لازم برای بازیگری منطقه‌ای و شکل دادن به سازوکارهای همکاری برخوردار است. این توانایی به حدی است که هیچ سازوکار همکاری بدون حضور ایران عملاً ظرفیت اجرایی نخواهد یافت. در این راستا جمهوری اسلامی ایران می‌بایست در طرح ابتکاری خود مدلی کارآمد از همکاری با محوریت حق و تکلیف دوجانبه در سطح دولت‌ها طراحی و پیاده‌سازی کند. الگوی رفتاری ایران در قبال همسایگان باید مدون شده و سطح انتظارات طرفین شناسایی و به رسمیت شناخته شود. گفتگوهای سازنده ایران با کشورهای منطقه و به عبارتی خارج نزدیک، اولویت اساسی نسبت به پیگیری این مسئله با خارج دور دارد. در قالب ارتقای سطح همگرایی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌توان با افزایش سطح آسیب‌پذیری دوطرفه، مانع از همراهی همسایگان منطقه‌ای با قدرت‌های فرامنطقه‌ای شد. بی‌تردید بهره‌مندی از ظرفیت کشورهای همسایه همواره برای دولت‌های که سیاست‌های توسعه‌ای و اقتصادی را در سر دارند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. در کنار تبادلات تجاری و اقتصادی، شکل دادن به همکاری‌های منطقه‌ای، می‌تواند در کنار شکوفایی اقتصادی، قدرت نهادی قابل توجه‌ای برای دولت‌های توسعه‌گرا در صحنه جهانی ایجاد کند. اولویت دادن به اقتصاد در عرصه تعاملات، باعث امنیتی زدایی کردن تعاملات منطقه‌ای می‌شود. در هم تنیدن منافع بازیگران نیز مانع از اعمال فشارهای خارجی برای بسیج کشورهای منطقه در همراهی با سیاست‌های احتمالی تنبیهی قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌شود. از این رو ارائه ابتکار عمل‌های سازنده و راهبردی برای شکل‌گیری مناسبات منطقه‌ای از اهم وظایف دولت قلمداد می‌شود. به طور نمونه



در پی مخالفت‌ها برای ایفای نقش جهانی چین، تلاش دولت این کشور در ایجاد و هدایت بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا در همگرا کردن منافع کشورها با پکن غیرقابل اغماض است. این بانک با عضویت دولت‌های آسیایی و غیر آسیایی با محوریت چین در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۵ با ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه استقرار یافت (Etzioni, 2016, p. 8). پیگیری موارد مشابه در جمهوری اسلامی ایران مرهون تلاش‌های دیپلماتیک و تاکتیکی دولت برای همگرا کردن ظرفیت‌ها، منافع و راهبردهای اقتصادی کشورهای همسایه با اولویت‌های اقتصادی ایران خواهد بود.

• **بین‌المللی:** در این سطح می‌بایست اولاً ارتباط جمهوری اسلامی ایران با مشتریان جهانی نفت حفظ و تقویت شده و با تلاش‌ها برای محروم کردن ایران از مشتریان انرژی مقابله کرد و در ثانی، بازتعریف جدی نسبت به متحدان صورت داد. ماهیت سیاست خارجی ایران همواره نزدیکی بی‌ثمری در همگرایی صرف با کشورهای غربی داشته است. این در حالی است که بخش اعظم اقتصاد ایران در تعامل با کشورهای شرق دنبال می‌شود. کشورهای چین و روسیه، از اراده سیاسی و اقتصادی لازم برای همراهی با ایران برخوردارند، اما در سطح داخل به دلایل متعدد از جمله فقدان زیرساخت‌ها، انگیزه‌های لازم برای این همکاری منعکس نمی‌شود. به‌نحوی که تاکنون هیچ سند بالادستی برای توسعه روابط با کشورهای فوق تنظیم و ارائه نشده و از سوی دیگر تعاملات در سطح تاکتیکی باقی مانده است.

مدل‌های موفق توسعه، مرهون مداخلات کارآمد و به‌موقع دولت‌ها هستند. شناسایی، حفظ و تقویت ظرفیت‌های قدرت‌آفرین یک کشور در حوزه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، نیروی انسانی، فن‌آوری‌های جدید و سرمایه‌گذاری و هدایت در این زمینه‌ها، بر عهده دولت است. به‌طور نمونه نقش دولت آمریکا حتی در دوره پس از جنگ هم در توسعه صنعتی آمریکا به‌واسطه سرمایه‌گذاری زیاد دولت در هزینه‌های نظامی و تحقیق و توسعه، بسیار کلیدی بود که در نهایت به بخش‌های دیگر اقتصاد هم اشاعه کرد و اثر گذاشت (Felice, William, 2003, p. 210). تلاش برای عملی سازی شاخص‌های دولت توسعه‌گرا در ایران که در چارچوب سند ابلاغی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است، گام اساسی برای تحقق اهداف اقتصادی کشور متناسب با ایده‌های تجدیدنظرطلبانه انقلاب اسلامی برای مقابله با نظام سلطه و افزایش آزادی عمل و استقلال کشور است.



۶- منابع**۶-۱- منابع فارسی****الف) مقاله‌ها**

۱. اخباری، محمد، قلی زاده، صدیقه (۱۳۹۴). ثبات اقتصاد کلان در رویکرد اقتصاد مقاومتی، فصلنامه روند، شماره ۷۱، صص ۵۵-۷۸.
۲. امیری طهرانی زاده، سید محمدرضا (۱۳۹۴). مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی، جستارهای اقتصادی ایران، شماره ۲۳، ۱۸-۳۲.
۳. سیف، الله مراد و حافظیه، علی اکبر (۱۳۹۲). راهبرد تجارت بین الملل اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۰، ۶۰-۹۱.
۴. شفیعا، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۵) طراحی یک مدل مبتنی بر توسعه منابع انسانی برای اقتصاد مقاومتی، تهران: دومین همایش سالیانه اقتصاد مقاومتی
۵. شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۶) ارزیابی و مقایسه وضعیت تاب آوری اقتصادی ایران با رقبای منطقه‌ای، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۸۳، صص ۱۸۳-۲۱۸.
۶. شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۵) نقش اقتصاد دانش بنیان در همگرایی تجاری کشورهای اسلامی (رویکرد برون‌گرایی اقتصاد مقاومتی) جستارهای اقتصادی ایران، ش ۲۸، ۳۱-۹.
۷. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۹). تأملی در معنای الگوی اسلامی ایرانی توسعه، اولین نشست اندیشه‌های راهبردی، سایت رهبر معظم انقلاب.
۸. رستمی، فرزاد، بهرامی پور، فرشته (۱۳۹۷). بررسی ماهیت اقتصاد مقاومتی و نظریه‌های توسعه اقتصادی، مجله اقتصادی، شماره‌های ۱ و ۲، ۹۵-۱۱۶.
۹. زیرک، معصومه (۱۳۹۴) آسیب‌شناسی مخاطره پذیری اقتصاد ایران بر مبنای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مجله اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰.
۱۰. پتفت، آرین و مؤمنی راد، احمد (۱۳۹۴). سیر تحول نحوه مداخله دولت در اقتصاد از منظر حقوق عمومی، از دولت رفاه تا دولت فرا تنظیمی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۷.
۱۱. محمد زاده، یوسف و دیگران (۱۳۹۶). تأثیر اندازه دولت بر حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، تهران: شماره بیست و ششم، ۹۷-۱۱۲.

ب) کتاب‌ها

۱۲. احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی: اقتصاد، دفاع و امنیت، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.



۱۳. اختری، عباسعلی (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی، زمینه‌ها و راه کارها، تهران: انتشارات امیرکبیر
۱۴. امام خمینی، (۱۳۶۹). صحیفه امام، جلد ۱ تا ۲۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۱۵. بازمحمدی، حسین، چشمی، اکبر (۳۸۵). اندازه دولت در اقتصاد ایران، تهران: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
۱۶. بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۷۵). اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: آوای نور
۱۷. برنل، پیتر ویکی رندال (۱۳۸۷). مسائل جهان سوم، ترجمه: احمد ساعی و سعید میرترابی، تهران: قومس
۱۸. بی‌نا (۱۳۸۲). فساد مالی و اقتصادی و ریشه‌ها و پیامدها، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، جلد ۲.
۱۹. پیغامی، عادل (۱۳۹۵). درس گفتارهای اقتصادی مقاومتی: تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)
۲۰. سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه (۱۳۸۵). روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگاه
۲۱. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۵). اقتصاد و دولت در ایران، تهران: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.
۲۲. عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی: درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل، تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
۲۳. قانون پنج‌ساله توسعه ششم، مصوب اسفند ۱۳۹۵.
۲۴. میلانی، محسن (۱۳۸۱). شکل‌گیری انقلاب اسلامی: از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: انتشارات گام نو
۲۵. مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۶). اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری، تهران: نشر و نگار
۲۶. میرزاوند، رهبر (۱۳۸۷). بررسی موانع تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، تهران: انتشارات صدرا.
۲۷. مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری (۱۳۸۷). دولت ایرانی-اسلامی (آرا دکتر محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور) تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
۲۸. میرنظامی، منیرسادات (۱۳۹۵). وزیر خزانهداری آمریکا: ارزیابی سیاست تحریم و درس‌هایی برای آینده، تهران: دیده‌بان امنیت ملی.
۲۹. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶). مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد.

ج) منابع اینترنتی

۱. ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲، farsi.khamenei.ir



1. Evans, Peter(1995). **Embedded Autonomy**. Princeton, NJ: Princeton University Press
2. Etzioni, A. (2016). **The Asian Infrastructure Investment Bank: A Case Study of Multifaceted Containment**. *Asian Perspective*, 40(2), 173-196.
3. F Felice, William (2003). **The Global New Deal: Economic and Social Human Rights in World Politics** Lanham, Md: Rowman & Littlefield. P. 210.
4. Johnson, R.B & A.J Onwueggbuze(2004). **Mixed Methods Research: A Research Paradigm Whose Time Has Come**, *Educational Research*, vol. 33, No 7, 14-26.
5. Mantzavinos, C. (2001). **Individuals, Institutions and Markets**; Cambridge University Press
6. Teddlie, Ch & A. Tashakkori(2006). **A general Typology of Research Designs Featuring Mixed Methods**, *Research in the Schools*, vol.13, No. 1, 12-28
7. Weiss, Linda and John M. Hobson(1995). **States and Economic Development: A Comparative Historical Analysis**. Cambridge: Polity

